

<div><div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>هومن جعفری</div></div></div><div><div>📍<div><div></div><div><div>طنزیم</div></div></div></div></div></div></div>
<div><div>🌐<div><div></div><div><div>Human Jafari</div></div></div></div></div>

رییس یادت هست؟

می‌خواستیم یک طنزی بنویسیم در مورد این صحبت‌هایی‌که آقای مصطفوی در مورد کپروش انجام داده منتهی چون حرف‌هایش درست است سکوت می‌کنیم و از کنار قصه رد می‌شویم. فقط یادآوری می‌نماییم این آقای مصطفوی که الان دارد در مورد رییس جمهور قبلی افسشارگی می‌نماید، همانی است که با علی آبادی – همان پدر ورزش ایران – جلسه گذاشتند و در مورد مردی که ترکیب تیم ملی را دوازده نفره می‌چیدند فرمود: «در این جلسه چیزهای تازه‌ای یاد گرفتم که در تمام ۵۰ سال حضورم در فوتبال نشنیده بودم.»

سوزه این روزها

کار به جایی رسیده که نوشتن طنز در این روزنامه سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. سلیاق بر این یکی قاتل‌ب بود بقیه مقتول. تکلیف آدم مشخص بود. الان کار به جایی رسیده که سطح طنز رسیده به لگن تعویضی آقای تاج! نه می‌شود چیزی در موردش نوشت، نه می‌شود در موردش نوشت، نه می‌شود در مورد فدراسیونی که آینده‌اش به جراحی لگن استاد مربوط است طنز نوشت که نمی‌شود نوشتن نه می‌شود فکر کرد که می‌شود فکر کرد نه می‌شود فکر نکردش را می‌بندد هزار تا سوزه می‌آید مقابل چشم‌هایش! یعنی واقعا سوزه‌های سنتون هر روز به فارسی سخت مشغول باز کردن بنده هستندا! تویی اشکان و لگن آقای تاج و فیلم لو رفته سردار و تکذیب‌های بعدش و خلاصه همین چیزها! شما خودتان را بگذارید جای من ببینید طنز نوشتنن برای ایران ورزشی هر روز دشوارتر از دیروز می‌شود یا نه!

نتیجه اخلاقی، پیشنهاد می‌کنیم از این به بعد عزیزانی که می‌خواهند رییس فدراسیون یا مدیر باشگاهی چیزی شونند یک عدد گواهی سلامت لگن خاصره تهیه کنند. مردم علاف شما نیستند چند ماه مانده به جام جهانی، جای پوشک و کسب‌ووش و جام ملتها به آقای تاج و سرنوشت نامعلومش فکر کنند! واقعا این عمل آقای تاج اندازه عمل جراحی قلب باز در ایران کشته و مرده برجای خواهد گذاشت!

بافتی

می‌دانم گل سامان قدوس برای تیمش را دیدید یا ندیدید و بعد از تماشای آن چه حسی به شما دست داد. به من فقط حس خمش و حقارت! حس ناراحتی و اصباح خرابی! جدا ما همچین بازیکنی را در جام جهانی داشتیم- و روی نیمکت بافتنی دادیم دست؟

پیشنهاد

پیشنهاد می‌کنیم آقای روزوی که وضعش خوب است، پول قرارداد کپروش را بدهد. بعد از جام ملت‌ها هم کپروش را ببرد تراکتور، توشاک را بدهد ماشین سبازی، رضا مهاجری را بفرستد ارومیه برای آن یکی تیم! بعد هر سه ماه یکبار با روش بالایولوم بلیش جای این سه تا را با هم عوض کندا! پیشنهاد خوبی هست‌ها! تازه اگر قصه آقای تاج اوکی نشد همین آقای روزوی را بگذاریم رییس فدراسیون. پول که داره، بقیه‌اش هم که دست کپروش است!

پیشنهاد خوبی است‌ها! تا پشیمان نشدهام قبول کنید.

رونی: برای اورتون گران بودم

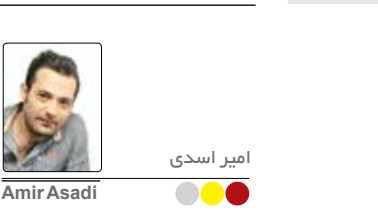
جدایی ناگهانی وین روزنی از اورتون هنوز هم برای هواداران لندن یک راز است؛ رازی که حالا پشت پرده آن فاش شده. روزنی در تابستان ۲۰۱۷ از منچستر یونایتد جدا شد و به باشگاه دوران نوجوانی‌اش، اورتون برگشت. شیطانی سرخ حتی برای تسهیل این انتقال، حاضر به پرداخت بخشی از دستمزد روزنی هم شدند. این مهاجم باتجربه شروع خوبی در گودیسون پارک داشت اما بعد از تغییر بست و انتقال به خط میانی، تردیها در مورد او افزایش پیدا کرد و همین مساله روزنی را ترغیب کرد تا او را بفروشد. روزنی در یک گفت‌وگوی مفصل در این باره گفت: جدایی از منچستریونایتد است نبود ام من بازی نمی‌کردم و شرایط دشوار بود. اورتون دلیل اصلی جدایی من از منچستریونایتد بود. می‌خوامت به آنها کمک کنم تا رو به جلو بروند و نخستین جام‌شان از سال ۱۹۹۵ را به دست بیاورند. این همیشه رویای من بود اما متأسفانه این اتفاق رخ نداد. من کمی از اینکه شرایط به آن شکل رقم خورد، ناراحت‌ام اما فوتبال همین است. مساله تنها پایان دوران حرفه‌ای‌ام در اورتون نبود. می‌توانستم بفهمم که باشگاه در تلاش است تا رو به جلو حرکت کند و بازیکنان جدیدی به خدمت بگیرد و من می‌خواستم بخشی از این پروژه باشم. احساس می‌کردم در حال ریختن پایه‌ای برای بردن یک جام و تلاش برای قرار گرفتن در جمع ۶ تیم برتر لیگ هستم. با توجه به آنچه چند بار در دوران حرفه‌ای‌ام رخ داد، شاید نیاز بود کمی خودخواه‌تر باشم؛ چیزی که گاهی انجامش دشوار است. با بازی در خط میانی، من قابلیت گلزنی‌ام را از دست دادم اما تیم کمی بهتر شد و در جدول بالاتر رفت. شاید اگر این کار را نمی‌کردم، می‌توانستم ۲۰ گل بزنم و تیم دوازدهم یا سیزدهم می‌شدد. فکر می‌کنم این تصمیم مالک باشگاه بود. واضح بود که او می‌دانست که قصد دارد بازیکنان زیادی به خدمت بگیرد و من همچنان از اورتون پول می‌گرفتم و او می‌خواست این هزینه را کم کند. وقتی که من در جریان علاقه‌مندی واشنگتن دی سی قرار گرفتم و در روزنامه، مقاله‌ای در مورد آن خواندم و به این فکر کردم که اینجا چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ چیزی گفته شده است؟ بنابراین به دین سم ال‌رایس رفتم و گفتم: گوش کن، من بچه نیستم، چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد؟ می‌خواهی من اینجا باشم یا نه؟ متصفانه بگویم، ال‌رایس درواست‌ترین فرد بود. او گفت اگر فصل بعد هم مری باشد، شاید به من زیاد بازی نرسد اما او می‌خواست که من در اورتون باشم و بخش بزرگی از پروژه تیم. سپس گفت: اما من مطمئن نیستم که مالک باشگاه هم چنین نظری داشته باشد.

تلاش برای گرفتن یک پاسخ صادقانه از مالک باشگاه، سه ماه طول کشید. من تلاش کردم و تلاش. تنها چیزی که می‌خواستم، شفافیت بود. نکات مثبتی هم وجود داشت. فرزندانم می‌دیدند که من در اورتون بازی می‌کنم. هرچند او بچه کوچکم چیزی به یاد نخوانده‌د داشت اما همچنان عکس‌هایی باقی می‌ماند که من در سنین بالاتر هم برای اورتون بازی کردم. در آنفیلد برای اورتون گل زدم و نخستین هت‌تریک را برای اورتون انجام دادم اما با کمی ناراحتی جدا شدم. وقتی در ۱۸ سالگی از اورتون رفتم، پایان بدی داشتم. من بچه بودم و در آن سن چیزهایی می‌گوید و کارهایی می‌کنید که واقعا معنی آنها را درک نمی‌کنید اما این بار، کمی مسن‌تر و عاقل‌تر بودم و تنها کمی صدافت می‌خواستم که هرگز واقعا به آن نرسیدم؛ به جز از سم ال‌رایس.



۳۷ دقیقه بازی و ۴ حضور روی سکو

نورافکن در تاریکی



برای امید نورافکن، تنها بعد از ۳ فصل بازی برای استقلال، آن هم در اوج جوانی، انتقال به فوتبال اروپا بهترین اتفاق بود. لیگی که بتواند از بازیکنان جوان و کم نام و نشان چهره بسازد و تحویل باشگاه‌های مطرح بدهد. بلژیکی، انتخاب ویژه و مناسبی برای امید بود. چپ‌پای استقلال، وقتی پیشنهاد شارلرو به دستش رسید تعلل نکرد و بی‌درنگ پای قرارداد با این باشگاه را امضا کرد. قراردادی دو ساله که البته ارزش مالی آنچنانی نداشت.

نورافکن همراه با علی قلی‌زاده و کاوه رضایی، مثلث ژوینورهای فوتبال ایران در باشگاه شارلرو را تشکیل دادند. باشگاهی که مالکیت آن نیز با هم به نیمکت برگشت. او برای نخستین

به عهده یک ایرانی به نسام بیات بود. نورافکن حتی قبل از علی قلی‌زاده که در روسیه حضور داشت و کاوه رضایی که در ایران به‌سر می‌برد، وارد تمرین‌های پیش فصل شارلرو شد تا نشان بدهد برای آغاز یک فصل درخشان انگیزه‌های فراوانی دارد.

ابتدا دفاع چپ و سپس هافبک میانی. فیلیپ سازه، نورافکن‌ن را در این دو پست آزمایش کرد و از او در هفته اول و مقابل آنتورپ روی نیمکت استفاده کرد. بازی به قلی‌زاده و رضایی رسید اما به نورافکن نه. ۹۰ دقیقه روی نیمکت حضور امید. استگار که باقدم نورافکن ۲ بار شارلرو خوب نبود که هر باز به زمین می‌رفت، این تیم شکست می‌خورد.

هفته‌های ششم و هفتم باز هم امید نورافکن به سکو تبعید شد. مدافع هافبک ۲۱ ساله‌ای که از ابتدا تا امروز فقط دو بار برای شارلرو بازی کرده و یک بار هم روی نیمکت نشسته. مازو نام نورافکن را برای ۴ بازی در فهرست ۱۸

آبشک از ملوان پول گرفت، در نساجی ماند

گل به خودی پورغلامی، ۱۰۰ میلیون پرید



ملوان حال و روز خوشی ندارد، بخصوص بعد از شکست خانگی مقابل سپیدرود. این تیم ریشه‌دار، قدیمی و پرهودار حالا از جامی کنار گرفته که تخصص ویژه‌ای در صدور به مراحل پایانی آن داشت. از دهه ۵۰ و ۶۰ بگیرد ۷۰ و حتی ۹۰ که همین فرهاد پورغلامی ملوان را به فینال جام حذفی رساند. با این شکست، زخم‌های جدید ملوان سر باز کرده. هواداران به این تیم امیدی ندارند و البته مشکلات مالی هم باعث شده تا ملوان روزهایی بحرانی را سپری کند. هر چند مالک باشگاه تلاش بی‌وقفه‌ای انجام می‌دهد تا این مشکلات را به حداقل برساند.

میان انبوهی از این مشکلات و دغدغه‌ها، ملوان در فصل نقل و انتقالات شکست سنگینی را از خودی‌ها خورد؛ از مسسوق فنی تیم، یعنی فرهاد پورغلامی. اگر از قرارداد ۳۰۰ میلیونی او که در قامت یک عاشق ملوان امضایش کرده فاکتور بگیریم، پورغلامی روزی ۱۰۰ میلیون نیز برای باشگاه به بار آورده. همان زمانی که قرار بود پیمان نوری را جذب نکند و البته از زیر فشار هواداران خارج شود. پورغلامی، نوری را نمی‌خواست. به همین دلیل دنبال یک نام بزرگ و محبوب می‌گشت

تا از فشار هواداران کم کند و کارش را با تمرکز و در آرامش ادامه بدهد. گزینه پورغلامی، کسانه‌ای زیر نیم‌کاسه است. آبشک در مذاکره با پورغلامی، از او و باشگاه ملوان طلب ۱۰۰ میلیون تومان کرد تا آن را به حساب باشگاه نساجی واریز کند و رضایت‌نامه‌اش را بگیرد. باشگاه ملوان ابتدا مخالف بود، چون برای دریافت رضایت‌نامه، مبلغ مورد نظر باید به حساب باشگاه مقابل واریز می‌شد و نه بازیکن. اصرار فرهاد پورغلامی اما باعث شد تا مدیران باشگاه کوتاه بیایند و مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان

می‌شد. آبشک از بازگشت به ملوان استقبال کرد اما همان زمان هم می‌شد حدس زد که عده‌های مواجه شود.

برای پورغلامی که دربار گواردیولا و مورینیو صحبت می‌کند و البته در محافل خصوصی مدعی واریز کند و با حضور در ملوان، وزن لیگ یک را بالا ببرد، بهتر است کمی هم قوانین فوتبال حرفه‌ای را فرا بگیرد و اگر هم نمی‌خواهد، مسوولیت جذب بازیکن را به مدیران باشگاه بسپارد. آن‌وقت شاید ملوان دیگر با چنین گل به خودی‌هایی جریمه نشود.

ممعون جذاب فوتبال و مادر کانت

مقوله هوادارای در دنیای فوتبال یک پدیده عجیب و حتی غیرقابل باور است. عشق به فوتبال حد و مرزی نمی‌شناسد و همین سبب شد تا تصاویر بدیی از این عشق به تصویر کشیده شود که شاید در دنیای امروزی باور آن غیرممکن است.

عشق مادر به فرزند اما یک عشق ازلی و فطری است که نمی‌توان بر روی آن قیمت گذاشت و با متر و معیار خاصی آن را اندازه گرفت. ترکیب این دو پدیده یعنی عشق فوتبال و مهر مادری، حالا مععونی را به‌وجود آورده که بدل به یکی از صحنه‌های خاص دنیای فوتبال شده که شاید لطیف‌ترین و جذاب‌ترین صحنه ثبت شده از فوتبال باشد.

تصویر مادری که دیدارهای باشگاه پالمیراس را برای فرزند نابیناش گزارش می‌کند، بسیاری از هواداران فوتبال در جهان را تحت تاثیر قرار داده است. پسر بچه هوادار پر و پا قرص باشگاه پالمیراس است و با پیرهن تیمش، در ورزشگاه حاضر شده است. او حتی یک بار هم بازی تیم محبوبش را از نزدیک تماشا نکرده بلکه آنها را از کلام مادرش و صدای تماشاگران داخل ورزشگاه حس کرده است. تصویر زیر که اخیرا در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، هواداران بسیاری را در دنیا تحت تاثیر قرار داده است.

مادر تمام طول بازی و اتفاقاتش را برای پسرش که در حال فوتبالی تماشا نکرده، گزارش می‌کند و درک سراسریه از فوتبال، از طریق صحبت‌های مادرش است که به نظر او نیز هوادار پر و پا قرص پالمیراس است.

ایران ورزشی

 روزنامه ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
 مدیر مسوول: مهدی عباسی راد سردبیر: سعید زاهدیان اصل
 دبیر تحریریه: فرشاد کاسبزاد مدیر فنی: فرشید بهاری مدیر هنری: محسن ذاکری
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۶۴۱۳۰ فکس: ۰۲۱-۸۸۵۶۴۱۳۰ ایمیل: info@iran-varzeshi.com
 انتشارات: ۸۸۵۶۴۱۳۰ آدرس:مشتراکین:۰۲۱-۸۸۵۶۴۱۳۰
 E-mail: info@iran-varzeshi.com نشانی: تهران، خیابان فرمشهر، شماره ۲۰۸
 سندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ چاپ: ایرانیان

سال بیست و دوم | دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۷ | ۱۲ محرم ۱۴۴۰ | 17 Sep 2018 | شماره ۰۲۲

ناتومی و ماری، مثل سرنا و ونوس گزارش دو تکرار جذاب قصه دو خواهر

قهرمانی او در گرناداسلم تنیس یک اتفاق منحصر به فرد بود. ستاره‌ای که با چشم‌های بادامی‌اش پدیده خاموش تنیس اوین آمریکا بود و چراغ خاموش آرام آرام جلو آمد و به جامی چنگ زد که در تاریخ یک فرنی تنیس دنیا دست هیچ چشم بادامی به آن نرسیده بود. او با آن چشم‌های ریز و چهره معصومانه همه چشمه‌ها را خیره کرد و در آمریکا چنان ولوله‌ای به پا کرد که همه به احترامش ایستند و کلاه از سر بردارند.

ایستک‌های اسطوره زندگی‌اش در فینال جنجالی آمریکا جنبه‌ای دراماتیک به قهرمانی این دختر ساده زاپنی بخشید تا ناتومی اوساکا بدل به بانوی شماره یک تنیس شود.

قهرمانی او یک غافلگیری محض بود چرا که تنیسور ۲۰ ساله زاپنی بیش از این رقابت‌ها در رتبه نوزدهم تنیس بانوان جهان قرار داشت و تنها قهرمانی در ایندین ولز را تجربه کرده بود. او نخستین فینال گرند اسلم خود را برابر الگوی خود یعنی سرنا ویلیامز تجربه کرد و در نهایت با شکست او به جامی بوسه زد که هیچکس تصورش را نداشت.

قهرمانی در تنیس اوین آمریکا زندگی اوساکا را عوض و او را به یک ستاره تبدیل کرد. تنیسور ۲۰ ساله یک قرارداد میلیونی با آدیداس امضا کرد. همچنین در یوکوهاما استقلال خوبی از این تنیسور شد و او را به‌عنوان سفیر نیمان معرفی کردند. او در برنامه‌های پربیننده آمریکایی همچون Today.NBC یا «The EllenGeneres show» حضور یافت. ناتومی به شهرت دست یافت و احساسش را از اتفاقی که رخ داد پنهان نکرد.

اکنون تنیسور زاپنی باید یاد بگیرد چگونه با شهرت کنار بیاید. او در ۲۰ سالگی با تنیس خود نشان داد که اگر هدف داشته باشید، می‌توانید به پیروزی‌های بزرگی دست بیاید. او که در زمین خجالتی

است هنگام بازی به یک حیوان درنده تبدیل می‌شود و افراد زیادی روش بازی‌اش را با سرنا مقایسه می‌کنند. این قضیه اتفاقی نیست چون تنیسور آمریکایی از کودکی الگوی ناتومی بوده است. او مانند سرنا یک خواهر بزرگتر از خود به نام ماری دارد. پدرش لیونارد مکسیم فرانکو پس از اینکه فینال دیول زنان سرنا و ونوس ویلیامز در رولان گاروس را از تلو‌زیون مشاهده کرد تصمیم گرفت دخترانش مانند آنها به تنیس بپردازند. چالش پیش روی اوساکا بزرگ است چون سرنا تاکنون فاتح ۲۳ گرند اسلم شده و با ۲۷ سال، به دنبال رسیدن به رکورد ۲۴ قهرمانی ماراتن کورت است.

کودکی متفاوت

ناتومی نیز مانند دیگر ورزشکاران مشهور داستان خاص خودش را دارد. مادرش تاماکی زمانی که در موسسه ساپورو تحصیل می‌کرد با جوان سیاه پوستی به نام لیونارد مکسیم فرانکو آشنا شد. این مرد در هائیتی متولد و در آمریکا بزرگ شده بود و سپس به ژاپن رفته بود. آنها رابطه پنهانی خود را شروع کردند و زمانی که پدر تاماکی متوجه این موضوع شد، عصبانی شد چون بر اساس باورهای‌شان این رابطه یک ننگ در خانواده‌شان محسوب می‌شد.

تاماکی و لیونارد به اوساکا رفتند و در کنار هم زندگی کردند. آنها نزدیک به یک دهه هیچ ارتباطی با خانواده تاماکی نداشتند. فرزندان‌شان فامیلی مادرشان را به ارث برده بودند چون از این طریق می‌توانستند به راحتی در مدرسه ثبت نام کنند. در سال ۱۹۹۹ همه چیز عوض شد. در این سال لیونارد فینال دیول رولان گاروس بین سرنا و ونوس را از تلو‌زیون دید و تصمیم گرفت دخترانش نیز تنیسور شوند. او آشنایی کمی از این ورزش داشت و زمانی که ناتومی تنها سه سال داشت به لانگ آیلند نقل مکان کردند جایی که پدر و مادر لیونارد در این شهر زندگی می‌کردند. لیونارد برای فرزندانش کتاب و ویدیوهای آموزشی درباره تنیس خرید تا به فرزندانش این رشته را آموزش بدهد. ناتومی در مصاحبه به نیویورک تایمز گفت: «دوست نداشتم مدام به توپ ضربه بزنم اما یک هدف داشتم و آن هم شکست خواهرم بود. برای او یک رقابت محسوب نمی‌شد اما برای من اینچنین بود. هر روز به او می‌گفتم فردا تو را شکست خواهیم داد.»

آنها در سال ۲۰۱۶ خانه پدر و مادر بزرگشان را ترک و به جنوب فلوریدا نقل مکان کردند. در آنجا هر دو به تمرین پرداختند و شش‌هوا درس می‌خواندند. به همین خاطر ارتباط کمی با هم سن و سالان خود داشتند. زندگی ناتومی تنها بر اساس یک هدف ساخته شده بود که آن هم ستاره شدن در رشته تنیس بود.

ناتومی و ماری، ملیت زاپنی خود را حفظ کردند.

شکست اسطوره

ماری دچار یک آسیب‌دیدگی شد و این قضیه مانع از پیشرفتش شد. در این شرایط ناتومی رتبه خود را در رده‌بندی بهتر کرد. در نهایت توانست نخستین قهرمانی‌اش را در مارس گذشته در ایندین ولز کسب کند. هنگام دریافت جایزه، تنیسور ۲۰ ساله تماشاگران را با اظهارتش به خنده واداشت.

او گفت: «این احتمالاً بدترین مصاحبه‌ای باشد که شنیده‌اید.»

یک هفته بعد ناتومی در دور نخست تنیس میامی برای نخستین‌بار با سرنا روبه‌رو شد و تنیسور آمریکایی پیروز شد.

او پس از این اتفاق گفت: «همیشه دوست داشتم با او بازی کنم.»
ناتومی دوباره با او در فینال تنیس اوین آمریکا روبه‌رو شد و توانست نخستین زاپنی لقب بگیرد که فاتح یک گرند اسلم می‌شود. اوساکا اکنون در رتبه هفتم رده‌بندی تنیس بانوان قرار دارد.



برد بحران‌زا

یک سال پیش در چنین روزی جلد ایران ورزشی به اظهارات برانکو ایوانکوویچ سرمربی پرسپولیس در آستانه بازی با پیکان اختصاص داشت که با تیتیر «بازی با پیکان می‌تواند برای ما بحران‌زا باشد» برانکو ایوانکوویچ در نشست خبری قبل از بازی مقابل پیکان گفت: «طبیعی است که بعد از بازی مقابل الاهلی یک رضایت‌مندی ویژه‌ای بین ما وجود دارد اما این خوشحالی می‌تواند به طور ناخواسته مقداری ما را از جدیت بیندازد. اینطور بازی‌ها نه برای پرسپولیس بلکه برای همه تیم‌ها در دنیا می‌تواند بحران‌زا باشد که بعد از یک بازی خوب در لیگ قهرمانان شاید بازی بعدی‌را با افت همراه کند. تیمی که در لیگ قهرمانان وارد آورده ممکن است در لیگ برتر دچار افت شود، می‌دانیم کارمان سخت خواهد بود. خودتان شاهد بودید که ۲ فصل پیش مقابل پیکان بازی سختی داشتیم و حتی سخت‌ترین بازی‌مان مقابل این تیم بوده است. مطمئناً پیکان از تمام قوایش و فرصتش استفاده می‌کند که از جو بردی که مقابل الاهلی داریم بهره ببرد. ما دوست داریم بردهای متوالی‌مان ادامه پیدا کند و این جو خوب را حفظ کنیم و در آستانه بازی با الهلال در شادابی و آمادگی کامل قرار بگیریم.»

لیگ قهرمانان آسیا+والیبال

امروز آنتن سلوغی را پیش رو داریم و دو بازی فوق حسان پرسپولیس و استقلال در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا برابر رقیب اظطری و بازی تیم ملی والیبال در رقابت‌های جهانی روی آنتن می‌رود. برنامه پیش‌بازی‌ها به شرح زیر است:
لیگ قهرمانان آسیا: پرسپولیس – الدلیل (۱۸:۳۰ شبکه سه)، اسد – استقلال (۲۰:۳۰ شبکه سه)، والیبال قهرمانی جهان: ایران – لهستان (۲۲:۱۵ شبکه سه)